

Merger doctrine and factual works: expression of fact or infringement?

Zeinab Shabani^{1*}, Mahmoud Hekmatnia²

- 1. MSc, Department of Private Law, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran*
- 2. Professor, Department of Law and Islamic Jurisprudence, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran; Associate Member of Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran*

(Received: October 14, 2021 ; Accepted: November 20, 2021)

Abstract

The key element in identifying infringements of literary and artistic works is to examine the extent of similarities between the works in question. But in the case of factual works that consist mainly of unprotected facts, the courts dealing with infringement cases of such works suggest that, given that the ways in which a factual idea can be expressed are limited, any subsequent expression of that idea may seem substantially similar to the words used by the first author to express the idea. In such cases, a special doctrine enters the analysis - the merger of idea with expression. According to this doctrine, expression can not be protected when the idea can only be expressed in a certain way. The doctrine has a special connection to factual works; because there are limited ways to express facts that are not per se protected. This raises the fundamental question that considering this particular nature and the prominent role of merger doctrine in excluding similarities, in what circumstances does the infringement of factual works take place? Due to the unclear status of Iranian law in this regard, the present study seeks to answer this question by using a descriptive-analytical method in examining the performance of judges in infringement cases of various instances of factual works and concludes that these works accept a different standard for infringement, as only a very close similarity, verging on the identical will constitute an infringement.

Keywords

Literary and Artistic Property, Factual Works, Substantial Similarity, Merger Doctrine.

* **Corresponding Author, Email:** zeinabshaabani@yahoo.com

نظریه ادغام و آثار مبین واقعیت: بیان واقعیت یا نقض؟

زینب شعبانی^{۱*}، محمود حکمت‌نیا^۲

۱. کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران،

قم، ایران

۲. استاد، گروه فقه و حقوق، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران؛

عضو وابسته دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹)

چکیده

عنصر کلیدی در تشخیص نقض آثار ادبی و هنری بررسی میزان شباهت‌های میان آثار مورد مناقشه است. اما در خصوص آثار مبین واقعیت، که به طور عمده متشکل از واقعیات غیرقابل حمایت هستند، دادگاه‌هایی که با پرونده‌های نقض این آثار سروکار داشته‌اند می‌انگارند با توجه به اینکه شیوه‌های بیان ایده واقعی محدودند ممکن است به نظر برسد هر گونه بیان بعدی آن ایده اساساً مشابه کلماتی است که پدیدآورنده نخست برای بیان ایده استفاده کرده است. در چنین مواردی، یک نظریه به خصوص وارد تحلیل می‌شود: ادغام ایده و بیان. به موجب این نظریه زمانی که ایده فقط به شیوه‌ای خاص می‌تواند بیان شود بیان قابل حمایت نیست. این نظریه ارتباطی ویژه با آثار بیان‌کننده واقعیت دارد. زیرا روش‌های محدودی برای بیان واقعیت‌ها، که خود قابل حمایت نیستند، وجود دارد. این مسئله موجب طرح این سؤال اساسی می‌شود که با توجه به این ماهیت خاص و نقش پررنگ نظریه ادغام در استثنا کردن شباهت‌ها نقض آثار مبین واقعیت در چه شرایطی تحقق می‌یابد؟ نظر به نامشخص بودن وضعیت حقوق ایران در این زمینه، پژوهشگران در پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی در بررسی عملکرد قضات در پرونده‌های نقض مصادیق مختلف آثار بیانگر واقعیت درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال برآمدند و نتیجه گرفتند این آثار معیار نقض متفاوتی می‌پذیرند، چنان‌که تنها شباهت نزدیک به یکسان شدن آثار وقوع نقض را اثبات می‌کند.

کلیدواژگان

آثار مبین واقعیت، شباهت اساسی، مالکیت ادبی و هنری، نظریه ادغام.

مقدمه

عنصر تعیین‌کننده تشخیص نقض حق در دعاوی نقض آثار ادبی و هنری مقایسه دو اثر از حیث چگونگی تحقق فعل ناقض است. محاکم در وهله اول از دو اصل امکان دسترسی پدیدآورنده اثر دوم به اثر اول و میزان شباهت اساسی بین دو اثر، که احتمال کپی‌برداری مستقیم از اثر نخست را تقویت می‌کند، استفاده می‌کنند (Murray 2006: 3). اما برخی شباهت‌ها بین دو اثر یا در میان آثار باید استثنا دانسته شوند و عدم نقض در نظر گرفته شوند.

نظریه ادغام در این مرحله به منزله دفاعی بر نقض مورد توجه قرار می‌گیرد و با این بیان که در صورت وجود راه‌هایی محدود برای بیان ایده بیان قابل حمایت نیست، حمایت از عناصر مشترک بین دو اثر و در نتیجه تحقق نقض را انکار می‌کند.

نظریه ادغام از حقوق دعاوی کپی‌رایت ایالات متحده می‌آید و نظر به اهمیت آن در تشخیص بیان قابل حمایت، امروزه، به یکی از اصول اساسی کپی‌رایت آمریکا تبدیل شده است. ایده در نظریه ادغام عنوانی استعاره‌ای است که همه عناصر غیرقابل حمایت در آثار، از جمله واقعیات در آثار مبین واقعیت، را شامل می‌شود. این آثار به طور گسترده واقعیات‌های موجود در قلمرو عمومی راه، که روش‌های بیان محدودی به خود می‌پذیرند، بیان می‌کنند و به همین دلیل با عدم قطعیت چشمگیری در تشخیص واقعیت غیرقابل حمایت و بیان قابل حمایت روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه این آثار مستعدترین آثار در پذیرش ادغام‌اند و همین امر موجب طرح این پرسش اساسی می‌شود که اساساً در مصادیق مختلف این آثار وقوع نقض چگونه ثابت می‌شود و آیا این ماهیت خاص معیار نقض متفاوتی می‌طلبد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت منحصربه‌فرد این آثار اعمال معیار نقض متفاوتی لازم باشد.

با وجود اینکه آثار بیانگر واقعیت - از جمله زندگی‌نامه‌ها، تاریخچه‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کتب راهنما، و ... - بخش قابل توجهی از آثار ادبی و هنری را تشکیل می‌دهند، حقوق ایران تا کنون ماهیت متمایز این آثار را مورد شناسایی قرار نداده است. همچنین، نظریه ادغام، که در حقوق آمریکا به طور گسترده درباره آن بحث شده است و ابزار مهمی در تشخیص نقض به دست قضات می‌دهد، در حقوق ایران مورد غفلت بوده است و این موضوع راه را بر اعمال نظر سلیقه‌ای قضات

و کارشناسان گشوده است. در این زمینه کوشش نویسندگان مقاله «دکترین ادغام و دکترین نمای اجباری در مالکیت ادبی- هنری» (معینی و قادری ۱۳۹۲) ارائه تعریفی از نظریات ادغام و نمای اجباری با طرح چند پرونده و با تمرکز بر بررسی امکان اعمال آن‌ها در دعاوی فیلمنامه و طرح داستان بوده است. در خصوص مصادیق آثار مبین واقعیت نیز مقالات «عکس: جلوه‌ای از هنر یا تقلید صرف؟ جایگاه آثار عکاسی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری» (بختیاروند و مستقل ۱۳۹۶) و «آثار گردآوری شده و اصالت» (زاهدی و شریف‌زاده ۱۳۹۷)، فارغ از ماهیت خاص این آثار، به تحلیل اصالت عکس‌ها و آثار گردآوری شده پرداخته‌اند؛ حال آنکه در نوشتار پیش رو محققان بر آن بودند که با بررسی جامع نظریه ادغام و آثار مبین واقعیت و همچنین تحلیل پرونده‌های نقض آثار بیانگر واقعیت در حقوق امریکا، که از رویه قضایی غنی در این حوزه برخوردار است، به طور خاص تأثیرگذاری این نظریه را بر محدوده حمایت و نقض این آثار شناسایی کنند؛ موضوعی که تاکنون در حقوق ایران مورد غفلت پژوهشگران بوده و نظر به معتابه بودن آن در عمل جای خالی طرح آن محسوس است.

با عنایت به مطالب یادشده ابتدا مفهوم نظریه ادغام و سپس واقعیت و آثار مبین واقعیت بررسی می‌شود و سپس با تمرکز بر استعداد ویژه این آثار در پذیرش ادغام به این موضوع پرداخته می‌شود که این ماهیت خاص چه تأثیری بر تشخیص نقض در مصادیق مختلف این آثار دارد.

نظریه ادغام

نظریه ادغام مولود حقوق دعاوی کپی رایت ایالات متحده امریکاست که امروزه یکی از اصول اساسی کپی رایت امریکا قلمداد می‌شود. مبنای نظریه ادغام اصل دوگانگی ایده و بیان است که نخستین و مبنایی‌ترین اصل حقوق مالکیت ادبی و هنری است. این اصل در همه نظام‌های حمایت از آثار ادبی و هنری به مثابه اصلی ثابت پذیرفته شده و بیانگر آن است که ایده صرف موضوع انحصار واقع نمی‌شود و حمایت فقط به بیان اصیل و خلاقانه آن ایده تعلق می‌یابد (Laddie 2000: 212). ایده‌ها اجزای سازنده خلاقیت‌اند (Bently & Sherman 2014: 186) که در جهت تضمین پیشرفت علمی و هنری در قلمرو عمومی آزادانه در دسترس همگان قرار دارند.

اما گاهی ایده یک اثر را می‌توان فقط به یک روش یا روش‌های محدود بیان کرد؛ به گونه‌ای

که ایده بیان خود را تحمیل می‌کند (McJohn 2006: 86). در چنین مواردی نظریه ادغام با انکار حمایت کپی‌رایت تضمین می‌کند که چنین حمایتی ابزار انحصاربخشی نخواهد بود. در نتیجه، کپی بیان اثر تا جایی که برای بیان ایده لازم است مجاز است. زیرا در غیر این صورت بیان آن ایده اگر غیرممکن نباشد دشوار خواهد بود. این نظریه ادغام نامیده شده است. زیرا زمانی که چنین شرایطی رخ دهد گفته می‌شود بیان با ایده ادغام شده است (Holbrook & Harris 2008: 26-27).

تعیین اینکه آیا ایده و بیان آن ادغام شده‌اند یا خیر توجه شایان دادگاه را می‌طلبد. زیرا به‌کارگیری آزادانه نظریه منجر به تفریط در حمایت و کاربرد مضیق آن منجر به افراط در حمایت خواهد شد (Fauset 2008: 142).

این نظریه به همین ترتیب و با همین نام در آرای دعوی شرکت رایانه‌ای اپل زاده شد.^۱ در این پرونده تولیدکننده یک کامپیوتر، که برای رقابت با اپل طراحی شده بود، استدلال کرد کپی‌برداری دقیق برنامه‌های سیستم‌عامل اپل، برای اینکه کامپیوترهایش بتوانند برنامه‌های کاربردی را که برای اپل نوشته شده اجرا کنند، ضروری بود (Samuelson 2016: 420).

برخی دادگاه‌ها می‌انگارند ایده‌های انتزاعی تنها نوع عناصر غیرقابل حمایت در آثار مورد حمایت هستند و در نتیجه ادغام ایده مجرد و بیان تنها ادغامی است که کپی‌رایت به رسمیت شناخته است. این نادرست است. ادغام ایده و بیان چتری استعاری است که انواع گوناگونی از ادغام‌ها زیر آن وجود دارند (Samuelson 2016: 442).

نظریه ادغام واقعیت و بیان در رأی حوزه قضایی دوم در پرونده نیمکس به رسمیت شناخته شد.^۲ آی‌سی‌ای^۳، که دارای سیستم تجارتمی مبتنی بر اینترنت بود، از قیمت‌های مناسب نیمکس در پایان روز به منزله قراردادهای آتی برای محصولات انرژی معامله‌شده در بورس خود استفاده می‌کرد. نیمکس ادعا کرد این قیمت‌های مشخص صرفاً نتیجه دادوستد آخر روز یا میانگین

1. Apple Computer, Inc. v. Franklin Computer Corp. 545 F. Supp. 812, 823 (E.D. Pa. 1982), rev'd, 714 F.2d 1240, 1253 (3d Cir. 1983).

وکلا این پرونده برای اولین بار واژه «ادغام» را وارد مباحث حقوق دعاوی کردند.

2. N. Y Mercantile Exchange, Inc. v. Intercontinental Exchange, Inc. 497 F.3d 109 (2d Cir. 2007).

۳. خوانده دعوا (ICE).

دادوستدهای انجام شده در طول روز نبودند. زیرا عوامل مختلفی در نظر گرفته شده و قضاوت‌های دقیقی درباره این قیمت‌ها صورت گرفته بود. حتی اگر در ارزیابی نیمکس ابتکاری هم وجود داشته باشد (موضوعی که دادگاه تصمیم گرفت به آن رأی ندهد) این واقعیات ایجاد شده با بیان آن‌ها ادغام شده و از این رو ادعای نیمکس شکست خورد. سایر فعالان در بازار قیمت‌های تسویه نیمکس را بیانی از «واقعیت تجربی، حقیقت اقتصادی درباره جهان» در نظر می‌گرفتند. دادگاه ملاحظه کرد که نیمکس برای تولید قیمت‌های تسویه نیازی به انگیزه کپی‌رایت ندارد و نیمکس نتوانست ثابت کند که قیمت‌های تسویه دیگر لزوماً مشابه قیمت‌هایی که قبلاً ایجاد کرده نخواهند بود. در واقع، نیمکس اظهار داشت که بیان در ساخت قیمت‌های تسویه ادغام شده است. زیرا قیمت‌ها در بازار یک واقعیت در نظر گرفته می‌شدند (Samuelson 2016: 439-440).

واقعیت^۱ و آثار بیان‌کننده واقعیت^۲

برخی قضاوت و حقوق‌دانان مالکیت فکری ایده‌ها و واقعیات را مترادف یک‌دیگر به کار می‌برند. اما این دو اصطلاحاتی متمایزند. واقعیات شامل سنجش‌ها، محاسبات، مشاهدات، اطلاعات، و دیگر توصیفات حقایق‌اند؛ درحالی‌که ایده‌ها مربوط به نظریات و پندارها و موارد انتزاعی‌اند که محصول ذهن انسان‌اند (Standler 2009: 37). اعمال شد.

فرهنگ وبستر (Merriam-Webster app 2020) پنج معنا برای واقعیت برمی‌شمارد:

آنچه وجود بالفعل دارد؛ یک رخداد بالفعل؛ بخشی از اطلاعات که به عنوان داشتن واقعیت عینی ارائه شده است؛ کیفیت بالفعل بودن؛ آنچه انجام شده است.

لغت‌نامه لانگمن (Longman Dictionary of Contemporary English (LDOCE) 2014) دو

معنای مختلف دیگر ارائه می‌کند:

رویدادهای واقعی، نه یک داستان: متضاد جعل^۳ و به معنای موقعیت‌ها و رویدادها و غیره که واقعاً رخ داده‌اند و ایجاد نشده‌اند؛ اطلاعات صحیح: بخشی از اطلاعات که صحیح دانسته می‌شود.

-
1. fact
 2. factual works
 3. fiction

یکی از نویسندگان در تعریف واقعیات می‌نویسد: «داده‌ها و اطلاعات درباره جهان که اصل خود را مدیون عمل آفرینش نیستند» (Murray 2006: 10).

با وجود این تفاوت، ایده‌ها و واقعیات در یک نقطه مشترک‌اند و آن عدم حمایت تحت نظام حقوق مالکیت فکری است. پس اگر شخصی واقعیتی را که کشف کرده توصیف کند، نسبت به آن حق انحصاری کسب نخواهد کرد. کار او در خصوص آن واقعیت صرفاً کشف و ضبط بوده است و نه ایجاد یا خلق؛ درحالی‌که اثر اصیل از پدیدآورنده‌اش ناشی می‌شود. حداکثر ممکن است در ارتباط با شیوه بیان آن واقعیت از وی حمایت شود (انصاری ۱۳۸۶: ۱۱۶).

چنین در نظر گرفته می‌شود که واقعیات‌ها ایجاد نمی‌شوند؛ بلکه کشف می‌شوند. در نتیجه آثار اصیل ابداعی نیستند (Jones 1990: 572).

در ایران قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) بر حمایت یا عدم حمایت از واقعیات تصریح ندارد. اما کاربرد کلمات «مصنف» و «پدیدآورنده» و «ایجاد» در ماده ۱ این قانون را می‌توان حمل بر لزوم وجود عنصر خلق و آفرینش کرد. مصنف به کسی گفته می‌شود که یک اثر علمی یا ادبی از خود پدید می‌آورد و کار او در واقع کاملاً ابتکاری است؛ مانند پدیدآورندگان رمان‌ها و آثار فلسفی اصیل (صفایی ۱۳۷۵: ۶۰).

برخی آثار ادبی و هنری، اگرچه آثار مستقل محسوب می‌شوند، پدیدآورنده در ایجاد داده‌ها و اطلاعات مندرج در آن‌ها نقشی نداشته است، بلکه آن‌ها را از اطلاعات موجود جمع‌آوری کرده است. این آثار، که به طور عمده از واقعیات موجود در قلمرو عمومی تشکیل شده‌اند، آثار بیان‌کننده واقعیات نامیده می‌شوند. برخی نویسندگان این آثار را چنین توصیف کرده‌اند: «آثاری که جنبه‌هایی از جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم شرح می‌دهند.» (Braunies 2009: 135).

به طور کلی آثار بیان‌کننده واقعیات بر دو نوع هستند: گردآوری‌ها و روایتگری‌ها (Jones 1990: 572). گردآوری‌های واقعیات از انتخاب و تنظیم و ارائه واقعیات موجود در جهان که در قلمرو عمومی قرار دارند و متعلق حق هیچ‌کس نیستند در یک مجموعه پدید می‌آیند؛ از جمله پایگاه‌های داده و دایره‌المعارف‌ها و گلچین‌های ادبی. آثار روایتگر واقعیات نیز به طور مشابه حاصل جمع‌آوری و روایت واقعیات در دسترس عموم هستند، با این تفاوت که لزوم حفظ نظم و ترتیب

و توالی واقعیات در این روایتگری آن‌ها را از گردآوری‌ها متمایز می‌سازد. فایده عملی این تفکیک در بحث از محدوده حمایت و نقض آثار به‌خوبی درک خواهد شد. گزارش‌های اخبار و تاریخیچه‌ها و شرح حال‌ها یا زندگی‌نامه‌ها نمونه‌های آثار روایتگر واقعیات هستند.

آثار بیانگر واقعیت و استعداد پذیرش ادغام

چنان که گذشت، نظریه ادغام همه موضوعات غیرقابل حمایت در آثار، از جمله واقعیات، را شامل می‌شود. ادغام ایده و بیان در آثار بیان‌کننده واقعیت تحت عنوان ادغام واقعیت و بیان مطرح می‌شود. این آثار به علت متشکل بودن از مواد واقعی قلمرو عمومی به طور عمده و نیز الزامات نقل دقیق واقعیات در برخی مصادیق آن، همچون زندگی‌نامه‌ها و تاریخیچه‌ها، با عدم قطعیت چشمگیری در تشخیص «واقعیت» و «بیان واقعی» روبه‌رو هستند. در نتیجه این آثار با گسترده‌ترین زمینه وقوع ادغام مواجه می‌شوند. در گفتار پیش رو ابتدا بررسی می‌شود که این استعداد بالقوه در پذیرش ادغام چه تأثیری بر معیار نقض این آثار دارد؟ سپس با تحلیل پرونده‌های نقض هر یک از مصادیق آثار بیانگر واقعیت اعمال نظریه در عمل مطالعه می‌شود.

معیار نقض

چنان که گذشت، نظریه ادغام در مورد واقعیت‌ها در آثار بیان‌کننده واقعیت نیز اعمال می‌شود. این نظریه ممکن است در ارتباط با متن ادبی اعمال شود، همچون زمانی که محتوای واقعی را می‌توان فقط با استفاده از کلمات محدود یا به‌خصوص بیان کرد، یا در ارتباط با عناصر غیرادبی یک اثر ادبی، مانند آنجا که لازم است رویدادهای واقعی به همان ترتیب اثری دیگر تعریف شود تا وقایع تاریخی به‌درستی و به طور قابل فهم ارائه شوند (Holbrook & Harris 2008: 27).

با توجه به اینکه واقعیات به طور گسترده آثار بیانگر واقعیت را شکل می‌دهند و این واقعیات به خودی خود قابل حمایت نیستند، ممکن است استدلال شود که مفهوم «بیان» در برخی مصادیق این آثار محدود باشد (Francione 1989: 542).

حقوق دعاوی و پروفیسور نیمر با بیان اینکه اگر تنها جنبه اصیل یک اثر در بیان ادبی آن قرار دارد، پس فقط یک شباهت بسیار نزدیک، نزدیک به یکسان شدن، برای تحقق نقض کافی خواهد

بود، این نظر را که در بحث از آثار بیان‌کننده واقعیت باید معیار متفاوتی برای نقض بیان وجود داشته باشد پشتیبانی کردند (Francione 1989: 571). برخی دادگاه‌ها اعلام کردند زمانی که اثر حاوی موادی از قلمرو عمومی است، معیار نقض همان نیست و تغییرات جزئی در اثر مؤخر آن را از اتهام نقض مبرا می‌کند.^۱

مشکل این نظر آن است که ایده‌ها هم در قلمرو عمومی قرار دارند، اما تغییرات اندک در بیان ایده برای گریز از مسئولیت نقض کافی نیست. دلیل اینکه معیار نقض متفاوتی برای آثار بیان‌کننده واقعیت لازم است این است که روش‌های محدودی برای بیان واقعیات وجود دارد (Francione 1989: 571).

دادگاه استیناف در پرونده لندزبرگ^۲ تشخیص داد که این محدودیت عملی نیازمند معیار نقض متفاوتی است: «یکی از پیامدهای سیاست استفاده آزاد از ایده‌ها این است که سطح شباهت اساسی لازم برای اثبات نقض، بر اساس نوع اثر و ایده‌های بیان‌شده، در آن متفاوت باشد. برخی ایده‌ها می‌توانند به روش‌های بی‌شماری بیان شوند، در حالی که دیگران تنها دامنه محدودی از بیان‌ها را می‌پذیرند ... پدیدآورنده مؤخری که می‌خواهد ایده‌های مشمول آثار بیان‌کننده واقعیت را بیان کند، اغلب، می‌تواند تنها از میان دامنه محدودی از بیان‌ها انتخاب کند». این بیان منعکس‌کننده نظریه ادغام است (Francione 1989: 572).

نظریه ادغام ارتباطی ویژه با آثار بیانگر واقعیت دارد. زیرا روش‌های محدودی برای بیان واقعیات وجود دارد. در این موارد نظریه ادغام با سرسختی بیان می‌کند که دادگاه‌ها باید استفاده آزادانه از بیان را مجاز بدانند و استفاده از معیارهای نقض قابل اعمال در سایر آثار را رها کنند (Francione 1989: 573).

معنای اعمال نظریه ادغام در ارتباط با آثار بیانگر واقعیت آن است که پدیدآورندگان چنین آثاری فقط در مقابل کپی دقیق یا تقریباً دقیق حمایت شوند؛ نتیجه‌ای که شاید پذیرش آن در مواجهه با زمان و تلاش و خلاقیت مسلماً چشمگیری که صرف ایجاد بسیاری از آثار بیان‌کننده واقعیت می‌شود دشوار باشد (Francione 1989: 575).

1. *Concord Fabrics, Inc. V. Generation Mills, Inc.*, 328F. Supp. 1030, 1032-33 (S.D.N.Y.1971); *Lauratex Textile Corp. V. Citation Fabric Corp.*, 328F. Supp. 554,556 (S.D.N.Y.1971).
2. *Landsberg V. Scrabble Crossword Game Player, Inc.* 736 F.2d 485 (9th Cir.), cert. denied, 469 U.S. 1037 (1984).

تشخیص اهمیت نظریه ادغام در ارتباط با آثار بیان‌کننده واقعیت بخش اساسی معیار نقض در موارد دربرگیرنده این آثار است. با این حال استدلال شده که برای بیان اکثر واقعیت‌ها امکان تغییر سبک ادبی وجود دارد (Francione 1989: 573). در این صورت حمایت کپی‌رایت فقط به اجزایی از اثر سرایت می‌یابد که از خالق سرچشمه گرفته‌اند.

ادغام و دعاوی نقض آثار بیانگر واقعیت

گردآوری‌ها و روایتگری‌ها دسته‌های اصلی آثار مبین واقعیت را شکل می‌دهند. اما مصادیقی از این آثار را نمی‌توان به طور مشخص در یکی از این دسته‌ها جای داد و صاحب‌نظران نیز جهت گنجاندن آن‌ها ذیل این دسته‌بندی تلاشی نکرده‌اند. در نتیجه در مباحث آتی به طور جداگانه درباره آن‌ها بحث می‌شود.

گردآوری‌ها

تا قبل از رأی دیوان عالی ایالات متحده در پرونده فیست^۱، معیار اصالت برای حمایت از گردآوری‌ها موضوع بحث‌برانگیزی برای دادگاه‌ها بود. در این پرونده اعلام شد که حمایت از گردآوری واقعیات «محدود به انتخاب و هماهنگی خواهد بود و ممکن نیست در هیچ شرایطی کپی‌رایت به خود واقعیات و داده‌ها تسری یابد» (زاهدی و شریف‌زاده ۱۳۹۷: ۵۸ - ۵۹).

در ایران، گردآوری‌های مد نظر قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در بند ۱۲ ماده ۲ و بندهای ۶ و ۷ ماده ۵ گردآوری‌های حاصل از ترکیب آثار پیشین هستند که از اصالت نسبی برخوردارند؛ یعنی اثر برخی عناصر اساسی یک اثر پیشین را به عاریه گرفته و پدیدآورنده باید حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده اثر مینا را رعایت کند (زرکلام ۱۳۸۸: ۴۸).

می‌توان به بندهای ۱ و ۱۰ ماده ۲، که آثار مورد حمایت را بیان می‌کند، توجه کرد. عبارت «هر

1. Feist Publications, Inc. v. Rural Telephone Service Co. 499 U.S. 340 (1991).

شرکت تخصصی فیست در کتابچه راهنمای تلفنی که منتشر کرده بود از برخی فهرست‌های تلفنی شرکت خدمات تلفنی رورال، بدون مجوز، استفاده کرده بود. دادگاه تشخیص داد که خواهان در دفترچه راهنمای خود اطلاعات بسیار اولیه را انتخاب کرده که بدیهی بود و تنظیم این واقعیات هم به صورت سنتی بر اساس لیست کردن مشترکین طبق حروف الفبا بود که خلاقیت اثر را زیر سؤال می‌برد (Littrell 2002: 201).

نوشته دیگر علمی» در بند ۱ می‌تواند دایره‌المعارف‌ها یا گردآوری‌های حاوی واقعیات علمی جهان را در بر بگیرد. همچنین «اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد» در بند ۱۰ را می‌توان با اندکی مسامحه شامل مجموعه واقعیات فرهنگی و هنری دانست. با این حال معیار اصالت مشخصی که توجه قانون‌گذار به ماهیت خاص این آثار را نشان دهد به چشم نمی‌خورد و به نظر نمی‌رسد کاربرد این عبارات در قانون آگاهانه بوده باشد.

در خصوص اعمال نظریه ادغام در پرونده‌های گردآوری، شرح مختصری از دو پرونده قابل توجه است: نخست پرونده کرگوس^۱ که در آن خواهان فرمی حاوی نه دسته اطلاعات آماری درباره بازیکن پرتاب‌کننده روبه‌رو در بازی‌های بیس‌بال طراحی کرد. خبرگزاری فرمی شبیه به آن با تزئینات متفاوت منتشر کرد. دادگاه بدوی فرم‌های خواهان را فاقد اصالت دانست. قاضی سویت^۲ بر این باور بود که «خلاقیت» کرگوس چیزی بیش از انتخاب آن نه دسته نبود؛ انتخابی که از ایده خود جدایی‌ناپذیر بود. اما دادگاه تجدیدنظر با مقایسه نتیجه گرفت پیش از این هیچ فرمی فهرست‌بندی مشابه او ارائه نکرده است. قاضی نیومن^۳ اظهار داشت «تا زمانی که انتخاب واقعیات شامل موضوعات سلیقه و عقیده شخصی است این خطر جدی وجود ندارد که رد ادغام حمایت را به ایده تسری دهد».^۴

در دعوی سی‌سی‌سی^۵ خواهان ناشر خلاصه پروژه‌های خود در مورد ارزیابی ماشین‌ها بود. خواننده اطلاعات مشابه را از طریق پایگاه داده‌های کامپیوتری به مشتریان خود ارائه می‌کرد. او به طور سیستماتیک بخش‌هایی از کتاب ارزیابی خواهان را در شبکه کامپیوتری خود بازنشر کرد. دادگاه نهایتاً اصالت کتاب خواهان را احراز کرد و اظهار داشت کتاب چیزی بیش از گردآوری داده‌ها و حاوی قضاوت و تحقیقات حرفه‌ای بوده است. به علاوه، ارزیابی‌ها نزدیک به بیان عقیده است تا صرف ایده.^۶ قاضی لوال^۷ در این زمینه اعلام کرد اگر ادغام غالب باشد عملاً حمایت از

1. Kregos v. Associated Press, 937 F.2d 700, 705 (2d Cir. 1991)o

2. Sweet

3. Newman

۴. تأکید جهت جلب توجه خواننده اضافه شده است.

5. CCC Information Services. v. MacLean Hunter Market. Reports, Inc. 44 F.3d 61 (2d Cir. 1994).

6. <https://www.lexisnexis.com/community/casebrief/p/casebrief-ccc-info-servs-v-maclean-hunter-mkt-reports-inc>

7. Leval

گردآوری‌ها از بین می‌رود. زیرا با توجه به ماهیت گردآوری‌ها، در عمل، هر خلق مستقل در مورد انتخاب یا هماهنگی یا ترتیب افزایش سودمندی گردآوری در نظر گرفته می‌شود و یک ایده را ارائه خواهد کرد (Polivy 1998: 823).

قاضی لوال رأی دعوای کرگوس را قضاوت بین دو ناخوشایند توصیف کرد: اعمال افسارگسیخته ادغام حمایت از گردآوری‌ها را منتفی می‌کند و شکست کامل اعمال ادغام از ایده‌ها حمایت خواهد کرد. دادگاه کرگوس راه میانه را برگزید: «اعمال گزینشی نظریه ادغام با خودداری از اعمال آن در مورد ایده‌های ملایم سرشار از سلیقه و عقیده» (Polivy 1998: 824).

به طور خلاصه نظر به عملکرد دادگاه‌ها در دعوای یادشده می‌توان اعمال نظریه ادغام در گردآوری واقعیات را چنین تحلیل کرد: هم دعوای کرگوس هم سی‌سی‌سی دلالت بر آن دارند که ادغام برای منع حمایت از ایده‌های «ملایم» که «سلیقه و عقیده شخصی» را منعکس می‌کنند اعمال نمی‌شود.

زمانی که اعمال نظریه ادغام حمایت از گردآوری‌ای را انکار می‌کند که از نظر دادگاه شایسته حمایت است و زمانی که خودداری از اعمال آن به دسترسی آزاد عموم به ایده‌ها ضرری نمی‌رساند، دادگاه‌ها از اعمال آن خودداری می‌کنند (Polivy 1998: 825-826).

روایتگری‌ها

در آثار روایی، الزامات حفظ توالی واقعیات امکان اصالت در ترتیب را، که حمایت از گردآوری‌ها محدود به آن است، از بین می‌برد. در آثار روایی، حمایت محدود به نثر خاص پدیدآورنده است (Denicola 1981: 536). در نتیجه، پدیدآورندگان بعدی می‌توانند از واقعیتهای موجود در آثار روایی آزادانه استفاده کنند؛ مادامی که از شیوه خاص بیان دوری نکنند. این شیوه خاص بیان می‌تواند شامل انتخاب لغت پدیدآورنده، چینش خاص لغات انتخابی، یا شیوه تفسیر و تحلیل خاص نویسنده از واقعیتهای باشد (Murray 2006: 11). اما زمانی که بیان در حقیقت بازگویی ساده واقعیات باشد، این انحصار بر باد می‌رود. در چنین شرایطی می‌توان گفت بیان واقعیات چیزی جدای از واقعیات غیرقابل حمایت نیست (Denicola 1981: 526).

به نظر می‌رسد در حقوق ایران می‌توان آثار روایی را ذیل بند ۱ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، که «کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری» را مورد حمایت قرار می‌دهد، جای داد و چنین گفت که قانون یادشده بدون توجه به ماهیت واقعی این آثار از نتیجه نهایی مشروط بر اینکه حائز اصالت مد نظر ماده ۱ قانون باشد حمایت می‌کند.

در زمینه آرای قضایی صادره در حقوق ایران، گزارشی از رأی شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی کیفری تهران و نقد ماهوی آن در ادامه می‌آید.

در سال ۱۳۸۷ آقای ش.ط.، نویسنده کتاب یوسف صدیق، با تنظیم شکایتی علیه آقای ف.س.، نویسنده و کارگردان سریال یوسف پیامبر^(ع)، مدعی شد ایشان با استفاده بدون اجازه صاحب اثر، بدون ذکر اسم وی و نیز عنوان کتاب یادشده، به منزله یکی از منابع مهم و اصلی سریال، مرتکب سرقت ادبی شده است. در نهایت، ریاست شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران، ویژه رسیدگی به جرایم کارکنان دولت و رسانه‌ها، با صدور دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۶۵ در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۸۸، ف.س. را به سه سال زندان و مبلغ یک میلیارد و پانصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم کرد. در قسمتی از دادنامه صادره آمده است: «متهم به میزان ۲۰ درصد در ساخت تصویری، صوتی، و بیانی سریال ... از متن دو جلد کتاب فیلمنامه شاکی استفاده غیرمجاز کرده است ... مجموعه نمایش حضرت یوسف^(ع) از صور گوناگون به مفهوم اقتباس از کتاب فیلمنامه منتشر شده توسط شاکی از پیکره کلی آن استفاده برده است».

ف.س. در واکنش به این رأی اظهار داشت: «متن آقای ش.ط. را بنده به جز قسمت یازدهم آن اصلاً ندیده‌ام و کتاب آن را هم اجازه ندادم که اصلاً وارد مجموعه محل کارم شود ... در اواخر سال ۱۳۸۰ و بخشی از سال ۱۳۸۱ به مدت یازده ماه این سریال در سینما فیلمی که بعضی از اعضای آن متن آقای ش.ط. را خوانده بودند مورد نقد و بررسی قرار گرفت ... آقای ش.ط. ادعا کرده‌اند که کلیات متن ایشان و بنده شبیه به هم است و بنده کلیات را از ایشان دزدیده‌ام ... اولاً که کلیات یوسف^(ع) را در همه دنیا اگر همه نویسندگان بنویسند جز آنچه که در کتب آسمانی و در قرآن هست نمی‌توانند چیز دیگری بنویسند؛ پس اگر بنده تقلب کرده باشم از روی دست خدا تقلب کرده‌ام».

ایراد اساسی وارد بر این رأی ورود اشتباه قاضی به بحث است. قاضی باید از منظر اصالت به پرونده رسیدگی می‌کرد و اصالت یا عدم اصالت فیلمنامه سریال یوسف پیامبر^(ع) را بررسی می‌کرد (جعفری ۱۳۹۳: ۳۰ - ۳۲). در همین زمینه، توجه به ماهیت خاص اثر اهمیت دوچندان می‌یابد که متأسفانه حقوق ایران در تشخیص این ماهیت به‌خصوص ناکام بوده است. فیلمنامه حاوی زندگی‌نامه حضرت یوسف^(ع) یک اثر راوی واقعیت دارای قالب متنی است. واقعیات عمده مشمول اثر به خودی خود قابل حمایت نیستند. قسمت آخر دفاعیات ف.س. در همین زمینه ایراد شد که هر نویسنده‌ای در نگارش داستان زندگی حضرت یوسف^(ع) ناگزیر از ذکر واقعیاتی است که نباید موضوع انحصار واقع شوند؛ بلکه بیان اصیل آن وقایع-مانند کلمات خاص انتخابی، چینش و هماهنگ‌سازی این کلمات، توصیف صحنه، نحوه فیلمبرداری- و تحقیق مستقل برای کسب واقعیات است که نویسنده را شایسته حمایت می‌کند. بنابراین، ممکن است داستان زندگی حضرت یوسف^(ع) موضوع نگارش چندین فیلمنامه قرار گیرد و همه این فیلمنامه‌ها حمایت شوند. چون شباهت‌های آثار اگر نتیجه بررسی مستقل منابع قلمرو عمومی و نه کپی‌برداری باشد، اصالت اثر را محدود نمی‌سازد. همچنین، نظر به ماهیت خاص این آثار، توجه به نظریه ادغام در تشخیص شباهت‌ها اهمیتی دوچندان می‌یابد که هم در ارتباط با متن ادبی و هم عناصر غیرادبی قابل اعمال است و از وقوع نقض جلوگیری می‌کند.

عکس‌ها

بند ۸ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تصریح کرده است که «اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد» مورد حمایت قرار می‌گیرد. در مورد حمایت از اثر عکاسی، به طور خاص، برخی استادان بر آن‌اند که باید بین دو مورد تفاوت قائل شد: مورد اول آنکه عکاس ذوق و سلیقه و احساسات خود را در آفرینش عکس به کار برده است و دوم موردی که عملکرد مکانیکی دوربین غلبه داشته است. این نویسندگان مورد نخست را اثر هنری تلقی می‌کنند و آن را مستحق حمایت می‌دانند (امامی ۱۳۹۳: ۱۱۲ - ۱۱۳). در واقع در حالت یادشده اصالت مورد نظر ماده ۲ قانون ۴۸ را می‌توان مشاهده و احراز کرد.

کنوانسیون برن در بند ۱ ماده ۲ ذیل آثار مورد حمایت کنوانسیون به عکس‌ها اشاره می‌کند که شامل همه عکس‌برداری‌ها، مستقل از موضوع و هدف، می‌شود. کنوانسیون این امکان را نیز فراهم کرده است که حمایت از دسته‌های خاصی از عکس‌ها مضایقه شود. ممکن است تصور شود اعطای حمایت کپی‌رایت به همه عکس‌ها، از جمله عکس‌های گذرنامه، که به طور خودکار با وسایل خاص گرفته می‌شوند، بیش از حد است. این بر عهده قانون‌گذاران است که این دشواری را حل کنند (Guide 1987: 16).

قانون کپی‌رایت ایالات متحده در ماده ۱۰۱ صراحتاً عکس‌ها را به عنوان «آثار تصویری، گرافیکی، و تجسمی» مورد حمایت قرار داده است.

اعمال نظریه ادغام در آثار عکاسی، با توجه به بیان واقعیت واحد، با اختلاف‌نظرهایی در رویه قضایی ایالات متحده روبه‌رو بوده است که در مقایسه دو دعوای کاپلان^۱ و مانیون^۲ به خوبی نمایان است. در دعوای کاپلان، دادگاه اظهار داشت عکس دوم، یعنی عکس شخصی در حالت پریدن که از زاویه دید همان شخص گرفته شده است، نمی‌تواند ناقض حق عکس اول باشد. زیرا تشابه اساسی میان دو اثر ناشی از انتخاب موضوعی واحد است و هر گونه تشابه مستقیم میان عکس‌هایی با سوژه‌های واقعی در صحنه مشترک ضروری دانسته می‌شود. با وجود این، دادگاه بر آن بود که هر تصمیم هنرمندانه‌ای، به علت ادغام موضوع اصلی با تصویر، از دایره حمایت خارج است.

در دعوای مانیون، موضوع مورد مناقشه عکس ستاره بسکتبال، کوین گارنت، بود که میزان قابل توجهی جواهرات مردانه داشت. عکس مشابهی در تبلیغات بلبورد کورس دیده می‌شد. شرکت کورس دفاع کرد که عکس خواهان قابل حمایت نیست. زیرا همه تشابهات قابل استناد به این حقیقت بودند که هر دو عکاس موضوع واقعی واحدی را نمایش داده‌اند. انتخاب یک موضوع از دنیای واقعی صرفاً بیان واقعیات است و واقعیات قابل حمایت نیستند. دادگاه مانیون چنین ادعاهایی را یک‌جا رد کرد. در این پرونده دادگاه معیارها و شرایط احراز اصالت در آثار عکاسی را در سه بخش بیان کرد:

1. Kaplan v. Stock Market Photo Agency. 133 F. Supp.2d. 317. (S.D.N.Y. 2001). 323-326.

2. Mannion v. Coors Brewing Co. 377 F. Supp.2d. 444. (S.D.N.Y. 2005). 447-448, 452, 456, 458-461.

۱. تفسیر عکاس از زاویه، نور، سایه، ارائه، تأثیر فیلترها، تکنیک‌های پیشرفته یا ترکیب آن‌ها؛
 ۲. زمان عکس گرفتن، تصویربرداری عالمانه و آگاهانه از یک لحظه ناب؛
 ۳. خلق موضوع عکس در حالی که خود عکاس اقدام به ایجاد یک سوژه برای گرفتن عکس می‌کند.
 گفتنی است هیچ‌یک از عناصر اصیل یادشده پدیدآورنده دیگر را از عکاسی همان واقعیت با بیان اصیل خود، به نحوی که تکثیر مستقیم بیان پدیدآورنده اول تلقی نشود، منع نمی‌کند (Murray 2006: 14).

نقشه جغرافیایی

نقشه‌های سنتی ارائه تصویری واقعیات جغرافیایی هستند که مهم‌ترین هدف آن‌ها این است که واقعیت را به دقیق‌ترین شکل ممکن مجسم کنند (Janssen & Dumortier 2006: 199). درحالی‌که به موجب بیشتر قوانین ملی نقشه‌ها را می‌توان به عنوان آثار ادبی (یعنی گردآوری) یا هنری (یعنی ارائه واقعیت که می‌تواند با یک نقاشی یا یک عکس مقایسه شود) مورد حمایت قرار داد، این اصل که واقعیات قابل حمایت نیستند در این حمایت مشکل ایجاد می‌کند.

در سال ۱۹۹۰ در دعوی شرکت انتقال گاز کرن ریور^۱ هر گونه حمایت از قالب تصویری نقشه انکار شد. در این دعوا دادگاه حکم کرد که نقشه‌ها از تنها راه مؤثر بیان ایده محل لوله‌کشی استفاده کرده‌اند و بنابراین شایسته حمایت کپی‌رایت نیستند (Wolf 1993: 403).

دو سال بعد در پرونده بزرگ میسون^۲ بیان شد که نقشه‌ها آثار تصویری و گرافیکی هستند که به سبب تبدیل بیانی واقعیات باید حمایت شوند. دادگاه تصدیق کرد که دادگاه‌ها سابقاً با نقشه‌ها به عنوان گردآوری برخورد کرده‌اند. اما قانون کپی‌رایت نقشه‌ها را در دسته «آثار تصویری، گرافیکی، و تجسمی» دسته‌بندی کرده است. دادگاه اعمال نظریه ادغام را رد کرد و اعلام کرد رد تعیین امکان اعمال نظریه ادغام دادگاه باید بررسی کند که آیا ایده مورد بحث را می‌توان به راه‌های مختلف بیان کرد یا خیر. بنابراین، دادگاه ابتدا باید ایده را تشخیص دهد و سپس آن را از بیان جدا کند. اگر دادگاه بتواند ایده و بیان را از هم جدا کند، اثر مورد حمایت است. در غیر این صورت

1. Kern River Gas Transmission Co. v. Coastal Corp. 899 F. 2d 1458 (5th Cir. 1990).

2. Mason v. Montgomery Data Inc., 967 F.2d 135 (5th Cir. 1992).

نظریه ادغام اعمال می‌شود و بیان حمایت نمی‌شود. در پرونده میسون دادگاه دریافت که ایده متضمن نقشه را می‌توان به راه‌های مختلف بیان کرد؛ مثلاً از طریق تفاوت در محل و اندازه و ابعاد نقشه‌برداری‌ها یا وسعت‌ها یا دیگر ویژگی‌ها (Janssen & Dumortier 2006: 210).

دادگاه در رأی خود بیان داشت نقشه‌های خواهان تنها بیان‌های ممکن از واقعیت‌ها نبودند. اگرچه نقشه‌کش به دنبال نمایش «دقیق» اطلاعات خود بود، ... «محدودیت‌های ذاتی در روند بازنمایی واقعیت در قالب نقشه تصویری» نقشه‌کش را ملزم به انتخاب‌هایی می‌کند که منجر به «بیان مستقل» می‌شود (Wolf 1993: 403). اما به نظر سیلورستین^۱ تبدیل داده‌های واقعی به نقشه همچنان چیزی بیش از ارائه تصویری آن داده‌ها نیست که مهم‌ترین ارزش آن‌ها هنوز در دقت و صحتشان است. با توجه به اینکه تنها یک ارائه صحیح از آنچه زمین به نظر می‌رسد وجود دارد، هر گونه خلق یا پدید آوردن اعداد و نام‌های منحصر به فرد روی یک نقشه آن را از نظر فنی ناصحیح می‌کند.

با این حال نقشه‌برداری همواره مستلزم تصمیم‌گیری درباره انتخاب عناصری است که باید مشمول شوند و بهترین راه ارائه آن‌هاست. با وجود اینکه هدف اصلی نقشه دقت است، یک تلاش خلاقانه وجود دارد؛ خلاقیت در انتخاب داده‌ها و در نتیجه در فرایند ایجاد نقشه.

در ایران بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان از «نقشه جغرافیایی ابتکاری» حمایت کرده است.^۲ همچنین نام بردن از نقشه در کنار نقاشی و تصویر در این بند نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار به تلقی نقشه به منزله یک اثر هنری یا ارائه تصویری، و نه یک گردآوری واقعیات، گرایش داشته است. به هر حال فقط ابتکاری بودن به منزله معیار اصالت نقشه در این قانون مطرح است. به نظر می‌رسد ابتکار در انتخاب محل و اندازه و ابعاد نقشه‌برداری و وسعت و دیگر ویژگی‌های خاص هر نقشه، که نتیجه مهارت و قضاوت نقشه‌کش است و به لحاظ تصویری فهم او از واقعیت در یک محل خاص را از طریق ترسیم خطوط و نمادها در ارتباط با

1. Michelle R. Silverstein

۲. «نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد».

یک‌دیگر نشان می‌دهد، ابتکار لازم برای برخورداری نقشه از حمایت را تأمین و اعمال نظریه ادغام را رد می‌کند.

نتیجه

نظریه ادغام ارتباط ویژه‌ای به آثار بیان‌کننده واقعیت دارد. زیرا روش‌های محدودی برای بیان واقعیت‌ها، که بخش اعظم این آثار را شکل می‌دهند و فی‌نفسه مورد حمایت نیستند، وجود دارد. در این موارد نظریه ادغام بیان می‌کند که دادگاه‌ها باید استفاده آزادانه از بیان را مجاز بدانند و استفاده از معیارهای نقض قابل اعمال نسبت به آثار دیگر را رها کنند. معنای اعمال نظریه ادغام نسبت به آثار بیانگر این واقعیت است که پدیدآورندگان چنین آثاری تنها در مقابل کپی دقیق یا تقریباً دقیق حمایت شوند.

به بیان قضات، تا زمانی که انتخاب واقعیات مشمول گردآوری شامل موضوعات سلیقه و عقیده شخصی است این خطر جدی وجود ندارد که رد ادغام حمایت را به موضوع متضمن تسری دهد و بنابراین ادغام رد می‌شود.

در آثار روایی از شیوه خاص بیان نویسنده حمایت به عمل می‌آید. از این رو زمانی که بیان بازگویی ساده واقعیت باشد، این حمایت محدود بر باد می‌رود. زیرا در چنین شرایطی می‌توان گفت بیان واقعیت چیزی جدای از واقعیت غیرقابل حمایت نیست.

در خصوص عکس‌ها برخی قضات بر آن‌اند که انتخاب یک موضوع از دنیای واقعی صرفاً بیان واقعیات و غیرقابل حمایت است. اما تشخیص نقش برجسته عکاس در خلق عکس آن را شایسته حمایت می‌کند.

این اصل که واقعیات قابل حمایت نیستند حمایت از نقشه‌های جغرافیایی را با مشکل مواجه می‌کند. زیرا نقشه ارائه تصویری داده‌های واقعی است و تنها یک ارائه صحیح از آنچه زمین به نظر می‌رسد وجود دارد. اما بررسی و تحلیل سابقه قضایی نشان‌دهنده آن است که نقشه‌ها آثار تصویری و گرافیکی هستند که به پاس تبدیل بیانی واقعیات شایسته حمایت هستند. ایده متضمن نقشه را می‌توان به راه‌های مختلف بیان کرد؛ مثلاً از طریق تفاوت در محل و اندازه و ابعاد نقشه‌برداری‌ها یا وسعت یا دیگر ویژگی‌ها. به نظر می‌رسد ابتکار در انتخاب محل و اندازه و ابعاد

نقشه‌برداری یا وسعت و دیگر ویژگی‌های خاص هر نقشه، که نتیجه مهارت و قضاوت نقشه‌کش است و به لحاظ تصویری فهم او از واقعیت در یک محل خاص را از طریق ترسیم خطوط و نمادها در ارتباط با یک‌دیگر نشان می‌دهد، تحقق ادغام در خصوص نقشه‌ها را انکار و ابتکار لازم را برای برخورداری نقشه از حمایت تأمین می‌کند.



منابع

- امامی، اسدالله (۱۳۹۳). حقوق مالکیت معنوی، چ ۲، تهران، میزان، ج ۱.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶). «شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت)»، تحقیقات حقوقی، ش ۴۵، صص ۹۷ - ۱۵۱.
- بختیاروند، مصطفی؛ نفیسه مستقل (۱۳۹۶). «عکس: جلوه‌ای از هنر یا تقلید صرف؟ جایگاه آثار عکاسی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری»، حقوق خصوصی، ش ۲، صص ۱۹۹-۲۱۶.
- جعفری، علی (۱۳۹۳). «بررسی حقوقی ضابطه اصالت آثار ادبی و هنری (همراه با نقد رأی دادگاه شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی کیفری تهران)»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۵، صص ۱۵ - ۳۶.
- زاهدی، مهدی؛ شیرین شریف‌زاده (۱۳۹۷). «آثار گردآوری شده و اصالت»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۶۰، صص ۳۵ - ۶۷.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۸). حقوق مالکیت ادبی و هنری، چ ۲، قم، سمت.
- صفایی، سید حسین (۱۳۷۵). مقالاتی درباره حقوق مدنی و تطبیقی، تهران، میزان.

References

- Ansari, B. (2007). "Conditions of a Protectable work in Literary and artistic property systems (copyright)", *Journal of Legal Research*, 45, pp. 97-151. (in Persian)
- Bently, L. & Sherman, B. (2014). *Intellectual Property Law*, 4th Ed, Oxford University Press.
- Brauneis, R. F. (2009). *Intellectual Property Protection of Fact-based Works: Copyright and Its Alternatives*, Edward Elger Publishing.
- Denicola, R. C. (1981). "Copyright in Collections of Facts: A Theory for the Protection of Nonfiction Literary Works", *Columbia Law Review*, 81(3), pp. 516-542.
- Emami, A. (2014). *Intellectual Property Law*, Tehran, Mizan. (in Persian)
- Faust, M. J. (2008). "What Do We Do With a Doctrine Like Merger? A Look at the Imminent Collision of the MCA and Idea/Expression Dichotomy", *Marquette Intellectual Property Law Review*, 12(1), pp. 131-153.
- Francione, G. L. (1989). "Facing The Nation: The Standards for Copyright, Infringement, and Fair Use of Factual Works", *University of Pennsylvania Law Review*, 134(3), pp. 519-598.
- Guide to the BERNE CONVENTION for the Protection of Literary and Artistic Works* (1987). 1st Ed, WIPO.
- Holbrook, T. S. & Harris, A. N. (2008). *Model Jury Instructions: Copyright, Trademark, and Trade Dress Litigation*, American Bar Association.
- Jafari, A. (2014). "Legal study of the criteria for the originality of literary and artistic works (Along with criticizing the verdict of Branch 1083 of Tehran General Criminal Court)", *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, 65, pp. 15-36. (in Persian)

- Janssen, K. & Dumortier, J. (2006). "The Protection of Maps and Spatial Databases in Europe and the United States by Copyright and the Sui Generis Right", *The John Marshall Journal of Information Technology & Privacy Law*, 24(2), pp. 195-225.
- Jones, R. H. (1990). "The Myth of Idea/Expression Dichotomy in Copyright Law", *Pace Law Review*, 10(3), pp. 551-607.
- Laddie, H. (2000). *The Modern Law of Copyright and Designs*, 3rd Ed, London, Butterworths.
- Lewis Jr, G. J. (1992). "Copyright Protection for Purely Factual Compilations Under Feist Publications, Inc. v. Rural Telephone Service Co.: How Does Feist Protect Electronic Data Bases of Facts?", *Santa Clara High Technology Law Journal*, 8(1), pp. 169-207.
- Littrell, R. (2002). "Toward a Stricter Originality Standard for Copyright Law", *Boston College Law Review*, 43(1), pp. 193-226.
- Longman Dictionary of Contemporary English (LDOCE). 6th Ed, 2014.
- McJohn, S. M. (2006). *Copyright: Examples and Explanations*, New York: Aspen Publishers.
- Merriam-Webster app 2020.
- Murray, M. (2006). "Copyright, Originality, and the End of the Scenes a Faire and Merger Doctrines for Visual Works", *Illinois Public Law and Legal Theory Research Papers Series*, pp. 3-122.
- Polivy, D. R. (1998). "Feist Applied: Imagination Protects, But Perspiration Persists—the Bases of Copyright protection for Factual Compilations", *Fordham Intellectual Property, Media and Entertainment Law Journal*, 8(3), pp. 773-836.
- Safaei, S. H. (1996). *Articles on Civil and Comparative Law*, Tehran, Mizan. (in Persian)
- Samuelson, p. (2016). "Reconceptualizing Copyright's Merger Doctrine", *Journal Copyright Society of the U.S.A.*, pp. 417-470
- Standler, B. Ronald (2009). Idea Not Copyrightable. Available at: www.Rbs2.com/cidea.pdf, pp. 1-83.
- Wolf, D. B. (1993). "New landscape in the copyright protection for maps: Mason v. montgomery data, inc", *Journal of the Copyright Society of the U.S.A.*, 40(3), pp.401-406 .
- Zahedi, M. & Sharifzadeh, Sh. (2018). "Collected works and originality", *Quarterly Journal of Public Law Research*, 60, pp. 35-67. (in Persian)
- Zarkalam, S. (2009). *Literary and Artistic Law*, Qom, Samt. (in Persian)
- www.lexisnexis.com (Last visited: 7/8/2020).